

تطبيق ساختار بصری کادربندی و صفحه‌بندی کتب هم‌عصر حکومت ایلخانی (مطالعه موردی: دو کتاب «الموالید و منافع‌الحيوان»)

چکیده

در نسخ خطی ایرانی، کادربندی به‌عنوان جزئی از عناصر کاربردی صفحه از توجه و منش زیبانگاران هنرمند بری نبوده است. در کتب مختلف دوره اسلامی، به‌واسطهٔ انزوای سرزمینی و یا تأثیر فرهنگ مستولی شده بر سرزمین و مانند آن، نمونه‌های متفاوت و مشابهی در دوره‌های مختلف حوزه تمدن ایرانی دیده شده است. کادربندی و صفحه‌آرایی نسخ خطی که در گذشته با عنوان جدول‌کشی و صفحه‌بندی نسخ شناخته می‌شد با ورود اسلام به ایران و توجه ویژه به کتاب‌آرایی و تزئین نسخ خطی مذهبی و غیر مذهبی بیش از پیش مورد توجه هنرمندان ایرانی قرار گرفت. در این پژوهش ساختار صفحه‌بندی در دو کتاب هم‌عصر ایلخانی، «الموالید» و «منافع‌الحيوان»، تطبيق داده شده است. پژوهش حاضر کیفی است و داده‌های آن بر پایه اطلاعات کتابخانه‌ای و پایگاه‌های اطلاعاتی علمی و روش ارائه آن توصیفی و تحلیلی با رویکردی تطبیقی است. یافته‌های این پژوهش، حاکی از آن است که در این کتب، علی‌رغم اینکه اعمال ساختار هماهنگ‌کننده کلی مشتمل بر کادربندی دیده می‌شود اما تفاوت عمده‌ای در نحوه استفاده از این عنصر ساختاری در صفحه‌بندی این نسخ مصور وجود دارد و آن کاربست ساختار متحدالشکل و قاعده‌مند چهارگانه در کتاب «الموالید» و تنوع در شکل کادر و تغییر ابعاد آن با بزرگی و کوچکی سوژه اصلی درون کادر در «منافع‌الحيوان» است. در کتاب الموالید ظهور نوعی کادربندی مبتنی بر اولویت و اهمیت موضوع دیده می‌شود.

اهداف پژوهش:

۱. شناخت روش‌ها، تکنیک‌ها و عناصر ساختاری در صفحه‌بندی نسخ حوزه تمدنی ایرانی در کتاب الموالید و منافع‌الحيوان.

۲. بررسی چگونگی جدول و کادربندی در دو کتاب الموالید و منافع‌الحيوان.

سؤالات پژوهش:

۱. ساختار بصری کادربندی در دو نسخه «الموالید» و «منافع‌الحيوان» چگونه بود؟

۲. تشابه و تمایز کادربندی و صفحه‌بندی در دو نسخه الموالید و «منافع‌الحيوان» چیست؟

کلیدواژه‌ها: ایلخانی، جدول، کادربندی، الموالید، منافع‌الحيوان.

مقدمه

شاخه‌های مختلف هنری در دوره‌های تاریخی همواره دستخوش تغییر شده و در شرایط مختلف فراز و فرودهایی را تجربه کرده‌اند که متأثر از موقعیت‌های زمانی و مکانی و مناسبات داخلی یا پیرامونی بوده است. هنر و فن کتاب‌آرایی نیز که شکل قدیم آن آمیخته با تصویرگری بوده، در مناطق مختلف جهان متأثر از دیگر فرهنگ‌های تصویری و یا در انزوای خود، همواره به‌وسیله هنرمندانی که اغلب نامی از آن‌ها نیست، رشد و توسعه یافته است. نمونه این رشد و توسعه و تغییرات خاص، ظهور عنصر ساختاری کادربندی یا جدول‌کشی در دوره ایلخانی است. این عنصر ساختاری در کتاب‌آرایی، کارکردهای متنوعی داشته است. اگرچه ممکن است، نیت ایجاد کادر در آغاز تزئینی بوده، اما تأکید، تمرکز، جداسازی، اولویت‌بندی عناصر و مانند آن، برخی دیگر از ضرورت‌های اضافه شدن کادربندی به کتاب‌آرایی بوده است. در دو کتاب هم‌عصر منافع‌الحيوان (۶۹۸ ه.ق-۱۲۹۹ م) و الموالید (۷۰۰ ه.ق-۱۳۰۱ م) نمونه‌هایی از کادربندی نمود یافته که تا پیش از آن سابقه نداشته است. پژوهش حاضر به بررسی تطبیقی کادربندی و چگونگی حضور این عنصر بصری، با توجه به کارکرد متفاوت آن در دو کتاب ذکر شده پرداخته است.

این پژوهش از آن جهت که سویه‌ای دیگر از زیباشناسی هنر ایرانی نمود یافته در دو اثر ماندگار از کتاب‌آرایی را تحلیل نموده و تشابه و تفاوت آن را بیان می‌کند، اهمیت دارد. با توجه به روند روبه‌رشد مطالعات حوزه هنرهای اسلامی، این حوزه، نیازمند درک هرچه دقیق‌تر ساختارشناسی صفحه‌بندی و کتاب‌آرایی نسخ خطی مصور است. علاوه بر این، بررسی ماهیت ساختارشناسانه کتاب‌آرایی و صفحه‌بندی، از آن جهت که به‌عنوان یکی از اصلی‌ترین عناصر گرافیکی باقی مانده از دوران تاریخی پس از اسلام محسوب می‌گردد، ضروری بوده و گونه‌ای از تداوم تاریخی صفحه‌آرایی تا به امروز را نمایان می‌سازد.

رویکرد این پژوهش کیفی است و داده‌های آن بر پایه اطلاعات کتابخانه‌ای، پایگاه‌های اطلاعاتی علمی به‌دست آمده و روش ارائه آن توصیفی و تحلیلی با تکیه بر شواهد تاریخی است. تحلیل این پژوهش با تطبیق کادربندی‌های نگاره‌های دو کتاب هم‌عصر «منافع‌الحيوان» و «الموالید» به‌دست می‌آید. در این پژوهش، ۳۶ صفحه مصور کتاب الموالید و ۲۵ صفحه مصور از کتاب منافع‌الحيوان، با در نظر گرفتن مقوله‌ی تکرار و اسلوب کادربندی در صفحات مشابه، انتخاب شده و ساختار بصری، تفاوت‌ها و تشابهات آن‌ها مورد بررسی و تطبیق قرار گرفته است.

براساس جست‌وجوی نگارندگان پیرامون عنوان این پژوهش که مقایسه تطبیقی کادربندی‌های دو کتاب «منافع‌الحيوان» و «الموالید» است، مطلبی به‌دست نیامده است. اما درباره موضوعات مرتبط، از جمله نقاشی و نگارگری ایرانی، دوره ایلخانی (به جهت تعلق کتاب منافع‌الحيوان به آن دوران)، جدول‌کشی و کتاب‌آرایی اسلامی، کتاب‌هایی به چاپ رسیده که می‌توان موارد ذیل را نام برد: «نقاشی ایران از دیرباز تا امروز» نوشته روئین پاکباز (۱۳۹۲)، دو کتاب با عنوان «تاریخ نقاشی ایران» مرتضی گودرزی (۱۳۹۰) و «تاریخ نقاشی در ایران» سیدرضا حسینی (۱۳۹۱)، کتاب «نقاشی ایرانی» که توسط دو پژوهش‌گر به‌صورت جداگانه با همین عنوان به چاپ رسیده، شیلا کن‌بای (۱۳۹۱) و بازل گری (۱۳۸۴)، و پرویز براتی (۱۳۹۳) که «سرگذشت نقاشی در ایران» را به رشته نگارش درآورده است. «نجیب مایل هروی» در حوزه کتاب‌آرایی و نسخه‌پردازی، دو کتاب مرجع «کتاب‌آرایی در تمدن اسلامی» (۱۳۷۲) و «تاریخ نسخه‌پردازی و تصحیح انتقادی نسخ‌های خطی» (۱۳۷۹) را به رشته تحریر درآورده که در پژوهش حاضر مورد استناد قرار گرفته است.

مایل هروی (۱۳۷۹) در مقاله‌ای به نام «فرهنگ تاریخی نسخه‌شناسی جدول»، به سابقه جدول‌کشی در نسخ ایرانی و عربی و نیز دسته‌بندی آن‌ها پرداخته است. قادری و خزایی (۱۳۸۹) در مقاله‌ای به نام «مروری بر تصویرسازی علمی کتب خطی ایران در دوره ایلخانی: منافع‌الحيوان (نسخه مورگان)»، به بررسی کتاب منافع‌الحيوان پرداخته و نوشته‌اند از ویژگی نگارگری ایلخانی وارد شدن کادر در تصاویر است... نامبردگان در ادامه آورده‌اند؛ در آثار نگارگری این دوره همه تصاویر دارای کادری هستند که به شکل منسجم با متن ترکیب شده است. نگارگر دوره ایلخانی بدون واژه‌های اصلی (حيوانات) را با اندازه‌های بزرگ در کادر قرار داده و باعث شده بیننده ناخودآگاه روی شکل بدن حیوان و خصوصیات رفتاری آن متمرکز شود. از دیگر پژوهش‌های صورت گرفته، مقاله‌ای با عنوان «تبیین بررسی چگونگی ترکیب نوشته و تصویر و خاستگاه آن در نگارگری مکتب شیراز دوره آل‌اینجو»، نوشته مرآتی (۱۳۹۱) است. مرآتی در این پژوهش به رابطه بین نظام چینش عناصر نوشتاری و قاب تصویر و همچنین رابطه شکل قاب تصویر با موضوع و ترکیب‌بندی نگاره‌های مکتب شیراز دوران ایلخانی پرداخته است. وی بیان می‌کند که در نگارگری مکتب شیراز آل‌اینجو رابطه بین عناصر نوشتاری و ترکیب‌بندی نگاره‌ها از اصول دقیق و معینی تبعیت می‌کند که با نظام ستون‌بندی صفحه برای نگارش شعر هماهنگ است. طاهری (۱۳۹۶) در مقاله‌ای با عنوان «مطالعه تطبیقی کتاب سعادت و کتاب البلهان ابومعشر بلخی»، به بررسی میزان تأثیرپذیری نگاره‌های کتاب سعادت از تصویرسازی کتاب البلهان پرداخته است. از آن‌جا که کتاب البلهان تجميع سه کتاب الموالید، احکام سنی العالم و احکام فصول و الازمه ابومعشر بلخی است، در جمع‌آوری اطلاعات پیشینه پژوهش پیش‌رو مورد مطالعه قرار گرفت. طاهری در نتیجه‌گیری اشاره می‌کند که نگاره‌های کتاب سعادت به لحاظ قدرت تصویرگری، طراحی، کادربندی، خلوص رنگ، رنگ‌پردازی و دقت در جزئیات بسیار قوی‌تر از نمونه الگوی خود است، هر چند نگارگر در ترکیب‌بندی‌ها سعی کرده است تا به تصاویر کتاب البلهان نزدیک و وفادار بماند.

باتوجه به آنچه در پیشینه ارائه شد، این پژوهش از دو جنبه متفاوت از پیشینه است. نخست اینکه به ساختار بصری و صفحه‌بندی صفحات دو کتاب می‌پردازد، دوم آنکه تطبیقی و یا به عبارتی مقایسه دو کتاب هم‌عصر است. کادربندی متفاوت کتاب الموالید که با ساز و کار و مناسبات جدول‌کشی عهد قدیم هماهنگ است، در کتاب منافع‌الحيوان نیز به‌گونه‌ای دیگر وجود دارد. با این وصف، تحقیق و تطبیق ساختاری کتاب «الموالید» با «منافع‌الحيوان» از این‌رو حائز اهمیت و ضروری است که می‌تواند ارتباط این دو کتاب را از لحاظ هم‌عصر بودن قطعی‌تر کرده و وجهی دیگر از ابعاد کتاب‌آرایی اواخر قرن هفتم و اوایل قرن هشتم هجری (قرن ۱۴م) را بر ما آشکار کند.

نتیجه‌گیری

دو کتاب، هم‌عصر و کاربردی «الموالید» و «منافع‌الحيوان»، به ترتیب یکی به بیان تصویری موضوعی نامحسوس یعنی احکام نجومی پرداخته و دیگری به موضوع ملموس و طبیعی دانش جانورشناسی تمرکز داشته است. به نظر می‌رسد علی‌رغم فاصله چندساله انتشار، تفاوت موضوعی این دو کتاب، خود در نحوه ترکیب‌بندی‌ها و کادربندی‌ها بسیار تأثیرگذار بوده است. در هرکدام از کتاب‌های منافع‌الحيوان و الموالید، تصویرگر یا تصویرگران، باتوجه به نیاز خود از صفحه کتاب بهره برده و در روند کتاب‌آرایی به کاتب و نسخه‌نویس پیوسته‌اند. نتیجه حاصل از بررسی تطبیقی ساختار کادربندی این دو کتاب، برای پژوهش‌گران روشن ساخت که کتاب الموالید دارای ساختار چهارگانه‌ای از کادربندی

متحدالشکل و هماهنگ بوده که می‌توان معادل واژه یونیفرم^۱ در صفحه‌آرایی امروزی دانست. این درحالیست که در کتاب منافع‌الحيوان نمی‌توان ساختاری مشترک برای کادربندی صفحات مصور استخراج کرد. باتوجه به تنوع تصویری در کتاب منافع‌الحيوان و شیوه طراحی متنوع، احتمال بر آن است که بیش از یک تصویرگر در مصورسازی آن دخیل بوده‌اند. در مقابل، در کتاب الموالمید به وضوح امضای «قنبرعلی شیرازی» در دو جا مشاهده می‌شود و یک‌دستی نگاره‌ها به لحاظ ترکیب‌بندی و رنگ، نشان‌گر آن است که یک تصویرگر به کار مشغول بوده است. فارغ از موضوع، محتوا و تنوع تصویرگران و نیز جغرافیای این دو کتاب آنچه مسلم است، کتاب الموالمید دارای ساختار بصری منسجم‌تر و هویت بصری یک‌دست‌تری به نسبت منافع‌الحيوان است. نقطه مشترک این دو کتاب، استفاده از جدول‌کشی برای مجزا ساختن فضای متن و تصویر از زمینه کاغذ و کادربندی مبتنی بر پایه کار، باتوجه به اولویت و اهمیت موضوع و هدایت چشم بیننده از سرلوحه به تصویر و متن است.

منابع

- آزند، یعقوب. (۱۳۸۹). نگارگری ایران، پژوهشی در تاریخ نقاشی و نگارگری ایران، جلد اول، تهران: سمت.
- احمدزاده، سعادت. (۱۳۸۰). "تذهیب در هنر کتاب‌آرایی ایرانی"، فصلنامه کتاب، ۱۲۹-۱۲۴.
- اصفهانی، حبیب‌الله. (۱۳۶۹). تذکره خط و خطاطان شامل خطاطان، نقاشان مذهب‌ان و قاطعان، جلدسازان ایرانی و عثمانی، به انضمام کلام الملوک، ترجمه: رحیم چاوش، تهران: نشر مستوفی.
- انوری، اوحدالدین محمد. (۱۳۷۶). دیوان انوری، با مقدمه سعید نفیسی، تهران: نگاه.
- اورستی، پائولا. (۱۳۸۵). «نسخه‌های خطی اسلامی: ویژگی‌های مادی و گونه‌شناختی»، ترجمه شیرین بنی‌احمد، نامه بهارستان، شماره ۱۱ و ۱۲، ۷۳-۳۵.
- بلخاری قهی، حسن. (۱۳۹۴). قدر نظریه هنر و زیبایی در تمدن اسلامی، تهران: انتشارات سوره مهر.
- بلخی، حکیم ابومعشر محمد. (۷۰۰ه.ق)، الموالمید. کتابخانه ملی پاریس، با شماره ۲۵۸۳.
- پاکباز، رویین. (۱۳۹۲). نقاشی ایران از دیرباز تا امروز، تهران: انتشارات زرین و سیمین.
- جباری، صداقت؛ مصلح امیردهی، معصومه. (۱۳۹۵). "اسلوب خط در نسخه‌هایی از رساله احکام نجوم". نشریه هنرهای زیبا - هنرهای تجسمی، شماره ۴، ۹۲-۸۱.
- حق‌شناس، فاطمه؛ مهرنگار، منصور؛ فرسددنیک، فرزانه. (۱۳۹۶). "بررسی ساختار نمادین و کاربردی جدول‌کشی در نقاشی ایرانی - اسلامی و تعمیم آن در صفحه‌آرایی نوین". اولین کنفرانس ملی نمادشناسی هنر ایران، منتشر شده توسط سیویلیکا.
- ضیاءپور، جلیل. (۱۳۷۷). مختصر تاریخ هنر ایران و جهان، به کوشش محمدحسن اثباتی، جلد اول، تهران: نشر جهاد دانشگاهی.

^۱ Uniform

عکاشه، ثروت. (۱۳۸۰). نگارگری اسلامی، ترجمه: سید غلامرضا تهامی، تهران: انتشارات حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی.

فرزان، ناصر. (۱۳۷۷). تاریخ تحول هنر و صنعت رنگ در ایران و جهان (بخشی از دانش رنگ‌ها)، تهران: انتشارات تهران.

قمی، قاضی احمد. (۱۳۵۲). گلستان هنر به کوشش احمد سهیلی خوانساری، تهران: انتشارات منوچهری.

کارگر، محمدرضا و ساریخانی، مجید. (۱۳۹۱). کتاب‌آرایی در تمدن اسلامی، تهران: سمت.

گری، بازل. (۱۳۸۴). نقاشی ایران. ترجمه: عربعلی شروه، تهران: دنیای نو.

گودرزی، مصطفی. (۱۳۹۰). تاریخ نقاشی ایران از آغاز تا عصر حاضر، تهران: سمت.

قادری، الهه؛ خزایی، محمد. (۱۳۸۹). "مروری بر تصویرسازی علمی کتب خطی ایران در دوره ایلخانی: منافع‌الحيوان (نسخه مورگان)". مجله کتاب ماه هنر، شماره ۱۴۱، ۱۰۷-۱۰۱.

مایل هروی، نجیب. (۱۳۷۲). کتاب‌آرایی در تمدن اسلامی، مشهد: مرکز پژوهش‌های آستان قدس رضوی.

مایل هروی، نجیب. (۱۳۷۹). تاریخ نسخه‌پردازی و تصحیح انتقادی نسخه‌های خطی، تهران: کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.

مایل هروی، نجیب. (۱۳۷۹). "فرهنگ تاریخی نسخه‌شناسی جدول". بهارستان، شماره دهم، ۳۶-۳۱.

مراغی، عبدالهادی بن محمد بن محمود بن ابراهیم. (۱۳۸۸)، منافع‌الحيوان. مصحح: محمد روشن، تهران: بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار.

مراثی، محسن. (۱۳۹۱). "تبیین بررسی چگونگی ترکیب نوشته و تصویر و خاستگاه آن در نگارگری مکتب شیراز دوره آل‌اینجو"، نگره، شماره ۲۳، ۵۱-۴۳.

مصباح، بیتا؛ صفری کهرودی، هانیه؛ رحمتی، هادی. (۱۳۹۸). "بررسی اصول صفحه‌آرایی حاکم بر ترکیب بندی در صفحه‌های سرآغاز و سرلوح نسخ خطی ایرانی سلجوقی تا پایان صفوی". نشریه هنرهای صناعی اسلامی، شماره ۴، ۱۵۴-۱۴۷.

ملیکیان شیروانی، ا.س. (۱۳۵۰). "ورقه و گلشاه مصور به مینیاتورهای ایرانی قرن سیزدهم هجری". داستانی هزار ساله از عشق و دلدادگی، پیام یونسکو، شماره ۲۷، ۳۲-۲۹.

مراغی، عبدالهادی بن محمد بن محمود بن ابراهیم. (۶۹۸ ه. ق). منافع‌الحيوان، کتابخانه پیرپونت مورگان.

هاشمی‌نژاد، علیرضا. (۱۳۸۷). "قرآن‌نویسی در قرن‌های هفتم و هشتم هجری قمری"، نشریه پژوهش‌های تعلیم و تربیت اسلامی، شماره ۴، ۱۳۴-۱۰۹.